خراسان بزرگ:سال دوم،شماره(۲)، بهـار ۱۳۹۰
Quarterly bulletin of Greater Khorasan:Vol.2, No. 2, Spring 2010

مبـادلات پولی و سکـه‌خانه‌های ســامانیان

حسن باستانی راد

تاریخ دریافت مقاله: ۹۰/۱/۱۷
تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۰/۳/۱۰

چکیـده

در دوره‌ی امارت سامانیان (۲۶۱– ۳۹۵ ق / ۸۷۵ – ۱۰۰۵م) فعالیت‌های بازرگانی در گستره‌ای از راه‌های تجاری و شهرهای چین تا اروپا با سکه‌های سیمین سامانیان انجام می‌گرفت. پیشـینه‌ی ضرب سکه‌ی نقره در شرق ایران و توانمندی سامانیان در به کارگیری این سکه، زمینه‌ی شـکوفایی تجارت را فراهم آورد. دِرَم سامانی توانست در بسـیاری از مبـادلات میـان شـهرها جـای دینـار زر را بگیرد. یکی از عوامل موفقیت سامانیان در هدایت بازارها، متأثر از ضرب این سکه کم‌بها بود. در این مقاله، کوشش می‌شود نقش سکه‌ی نقره و سکه‌خانه‌ها در مبادلات پولی سامانیان بررسی شود.

کلیـد واژه‌ها:

تاریخ سامانیان، سکه نقره (دِرَم)، تجارت، مبادلات پولی

[1] استادیار گروه تاریخ دانشگاه شهید بهشتی

مقدمه

از ویژگی‌های بارز شهرهای قلمرو سامانیان در امر تجارت آن بود که طی سده‌ی چهارم قمری، سکه‌ی نقره‌ی ضرب شده در این شهرها در شاهراه تجاری بخش‌های شمالی چین تا اروپای شرقی مورد استفاده قرار می‌گرفت. زمانی که در میانه‌ی سده‌ی بیستم میلادی، تعداد زیادی از سکه‌های نقره و بنا بر برخی گزارش‌های غیررسمی تعدادی سکه‌ی طلا، با نشان سامانیان در روسیه، لهستان، اسکاندیناوی و دیگر بخش‌های شرقی و شمالی اروپا به دست آمد،[۱] این فرضیه به اثبات رسید که بازرگانی بخش اعظم راه‌های تجاری از بخش‌های میانی آسیا تا میانه‌ی اروپا در سده‌ی چهارم قمری، متکی به توانمندی اقتصادی و حضور اثرگذار بازرگانانی بود که با دودمان سامانی در ارتباط بودند. در بازارهای بخارا، سمرقند، بلخ، اسروسنه (اشروسنه)، چاچ، فرغانه، خوارزم و بخش‌های غربی خراسان از نیشابور تا ری، سکه‌های نقره در کارسازی امر تجارت راهگشا بودند. ازاین‌رو، دامنه‌ی این اثرگذاری تا غرب ایران یعنی قلمرو آل بویه و حتی اروپای شرقی نیز گسترش یافت.

مسئله‌ای که در این‌جا مطرح می‌شود بر این پرسش استوار است که **چرا** سامانیان از سکه‌ی نقره (دِرَم) در برابر طلا (دینار) استفاده می‌کردند و **چگونه** توانستند سکه‌ای کم‌بها را مبنای مبادلات گستره‌ای وسیع از بازارهای جهانی آن روزگار قرار دهند و در این راه موفق شوند؟

بر این اساس، فرض این مقاله نیز آن است که سامانیان با برقراری امنیت در راه‌های تجاری، به‌ویژه در پهنه‌ی شرقی قلمرو خویش توانستند کاروان‌های تجاری را متوجه شهرهای تحت امر خود کنند. از دیگر سو، متأثر از پیشینه‌ی رواج سکه‌ی نقره و اشتیاق صحرانوردان بیابان‌های مرکزی آسیا در خرید و فروش با این نوع سکه، به‌ویژه در امر تجارت بَرده، بازرگانی و بازاها را در اختیار گرفتند. سامانیان نه تنها با استفاده از سکه‌ای کم بها در برابر دینار زَر توانستند با هزینه‌ای کم درآمدهای زیادی روانه‌ی شهرهای قلمرو شرقی ایران کنند، بلکه با این سکه توانستند بر بازارهای شهرهای گوناگون آسیا و اروپا نیز نفوذ خود را تثبیت کرده، از این رهگذر ثروت و رفاه را نصیب شهرها و شهروندان خود نمایند. این مسئله خود می‌تواند الگویی باشد برای

---

[۱] ریچارد نلسون فرای، *بخارا دستاورد قرون وسطی*، ترجمهٔ محمود محمودی (تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۸۴)، ص ۱۰۵؛ محمدعلی جمالزاده، *تاریخ روابط روس و ایران* (تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، ۱۳۷۲)، ص ۴۲؛ ریچارد نلسون فرای، *عصر زرین فرهنگ ایران*، ترجمه مسعود رجب‌نیا (تهران: سروش، ۱۳۷۵)، ص ۲۲۳.

تلاش‌های کنونی در سیاست‌های پولی و بازرگانی، *به‌ویژه* در امر تجارت جهانی کـه ارزش پـول بیش از پیش ملاک و معیار قرار می‌گیرد.

پیشینـه‌ی ضـرب دِرَم در خاستگاه سامـانیان

پیشینه‌ی «درم و سیم زدن» در بخارا به دوران پیش از اسلام می‌رسد. در دوره‌ی ساسـانیان، سکه‌ی سیمین همزمان یا اندکی بعد از سکه‌های مسین (فلس) ضرب شد.[۱] سکه‌های مسین کـه نام «پوخار» (بخارا) در طرف راست آن‌ها و نام «گوَ»[۲] در طرف چپ آن‌ها دیده شـده، بـه دسـت آمده است. همچنین سکه‌شناسان اشاره کرده‌اند که «در بخارای پیش از اسلام، سکه‌های مسینی ضرب می‌شد که بر آن‌ها عنوان "شاه اسوار" که همان سوار فارسی است، دیده مـی‌شـود. زمـان ضرب این سکه را سده‌های ۴ و ۵ م دانسته‌اند».[۳] کاوش‌های باستان‌شناسان گواه از آن دارد کـه به‌احتمال سکه‌های مشهور به هیرکودس[۴] در شمال غربی واحه‌ی بخارا (پیرامون ورخشه) ضرب می‌شده‌اند که تصاویری از حکمران، اسب و ایزد بانو بر آن‌ها نقش بسته اسـت و مربـوط بـه سده‌ی از زمان پادشاهی پیروز ساسانی (۴۵۹– ۴۸۴م)، سکه‌های سیمین به‌ویـژه در بخـش‌هـای شرقی ایران رواج بیش‌تر یافت که تقریباً بر اساس شواهد باستان‌شناسی بـه تقلیـد از سـکه‌هـای

---

[۱] گمان می‌رود در روزگار ساسانیان سکه‌ی مسین پیش از سکه‌ی سیمین ضرب می‌شد. دودمان سامانی نیز در آغاز سکه‌ی مسـین ضرب می‌کردند. که به احتمال قوی‌ احمد بن اسد (حکمران فرغانه) چندی پس از آن‌که به جای برادرش نوح (حکمران سمرقند) حکومت سمرقند را به دست آورد (۲۲۷ ق/ ۸۴۱ م)، در سال ۲۴۴ قمری (۸۵۸م) سکه‌ی مسین (فلس) را ضرب کرد. سـامانیان تـا روزگار نصر بن احمد (۲۷۳ ق/ ۸۸۶م) حق ضرب سکه‌ی سیمین (درهم) نداشتند ریچـارد ن. فـرای، «سـامانیان» تـاریخ ایـران از اسلام تا سلاجقه، پژوهش دانشگاه کمبریج، ترجمهٔ حسن انوشه (تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۳) ص ۱۲۰.

[۲] در متون کهن ایران، گوَ به معنای سرزمین سغد، جای مسکون و در معنای شهر به کار رفته و همان منطقه‌ای است که در دوره‌ی اسلامی دو کرسی آن بخارا و سمرقند بود. بـرای آگـاهی از نـام و معنـای گـوَ، نـک: اللهیـار خلعتبـری و حسـن باسـتانی راد، «شهرواحه‌های سغد»، مجله علمی ـ پژوهشی تاریخ اسلام و ایران، ش ۵، پیـاپی ۸۳ ، ۱۳۸۸؛ حسـن باسـتانی راد، «واژه‌شناسـی تاریخی شهر در ایران»، مجله علمی ـ پژوهشی فرهنگ، پژوهشگاه علوم انسـانی و مطالعـات فرهنگـی، ش۷۲، (زمسـتان۱۳۸۸) ، ص۲۳ـ ۲۵.

[۳] عنایت‌الله رضا، «بخارا» *دایرةالمعارف بزرگ اسلامی*، ج۱۱ (تهران: مرکز دایرةالمعارف بـزرگ اسـلامی، ۱۳۸۲)، ص۴۲۹ و ۴۳۱. برای آگاهی بیشتر، نک، باباجان غفورف، تاجیکان *(تاریخ قدیم، قرون وسطی و دوره نوین)*، ترجمهٔ محمد نیازوف (دوشنبه: عرفـان، ۱۹۹۷)، ص ۲۵۰.

[4] Hyrcodes.

وی، در بخارا نیز سکه‌ی سیمین ضرب شد.[۱] نرشخی با ارائۀ روایتی درباره‌ی نخستین کسی که در بخارا «سیم زد»، بیش و کم این امر را تأیید می‌کند. او از پادشاهی به نام «کانا» به عنوان بخارخدات یاد کرده که چون در ولایت‌های دیگر سکه‌ی سیمین ضرب کرده بودند، وی نیز «بفرمود تا به بخارا سیم زدند از نقره‌ی خالص و بر آن صورت خویش بفرمود با تاج و این به روزگار خلافت امیرالمؤمنین ابوبکر صدیق رضی الله عنه بود».[۲] تاریخی که وی ارائه می‌دهد تقریباً یک سده پس از رواج سکه‌ی سیمین در بخارا است. فرای اشاره می‌کند که پس از فتح عرب، واژه‌های عربی بر سکه‌ها اضافه شدند و این امر را همزمان با دوره‌ی نخستین از خلافت عباسیان (تا دوره‌ی طاهریان) و تداوم آن را تا زمان قدرت یافتن سامانیان می‌دانند.[۳] ازاین‌رو، در بخارا نیز به مانند دیگر شهرهای ایران درهم‌های عرب ـ ساسانی ضرب می‌شد.[۴]

دِرَم غطـریفی

درهم‌های عرب– ساسانی که از نقره‌ی خالص بودند تا زمان امارت غطریف بن عطا الکندی[۵] بر خراسان بیش و کم رواج داشتند و از چند دهه پیش از او، درهم‌های ضرب خوارزم نیز فراگیر

---

[1] Frye, R. N. "Bukhara I, In Pre-Islamic Times." Encyclopaedia Iranica. Mazda Publisher, 1999. Vol. IV, p.512

درواقع، سکه‌ی نقره در بخش‌های گوناگون ایران از دوره‌ی داریوش رواج یافت که به نام شِکِل خوانده می‌شد و همراه با دَریک در مناسبات بازرگانی به کار می‌رفت. برای آگاهی بیشتر در این‌باره، نک: ارنست بابلون، سکه‌های ایران در *دوران هخامنشیان*، ترجمه ملک‌زاده بیانی و خانبابا بیانی (تهران: انجمن آثار ملی، ۱۳۵۸). از زمان اسکندر سکه‌ی نقره دراخما (درهم) در برابر شِکِل هخامنشیان ضرب شد: دیاکونوف، *اشکانیان*، ص ۶. همچنین برای آگاهی بیشتر از شهرهایی که سکه‌های درهم ضرب می‌کردند، ر.ک: مهدی ملکزاده بیانی، تاریخ سکه (تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۵۵)، ص ۱۱۵ـ ۱۲۷. برای دیدن یک بررسی کلی درباره‌ی تاریخ ضرب سکه‌ی نقره در دوره‌های گوناگون، ر.ک:

Stephen Ambum, Michael L. Bates and Willem Floor, "Coins and Coinage", Encyclopaedia Iranica, Mazda Publishers, 1999, Vol. VI, p. 14- 41.

[۲] ابوبکر محمد بن جعفر نرشخی، *تاریخ بخارا*، ترجمۀ ابونصر احمد بن محمد بن نصر القباوی، تلخیص محمد بن زفر بن عمر، تصحیح محمدتقی مدرس رضوی (تهران: توس، ۱۳۶۳)، ص ۴۹– ۵۰.

[3] Frye, "Bukhara I. in pre- Islamic times", p. 512.

[۴] Vambery, 1973, p. 25-30 گرچه منابع گوناگون به این امر اشاره دارند (برای نمونه، نرشخی، ص ۵۰)، اما ناصر سید محمود نقشبندی که گزارشی از درهم‌های عرب ـ ساسانی ارائه کرده، نامی از درهم‌های بخارا به میان نیاورده است. ر.ک: درهم اسلامی (*جزء اول، درهم‌های عرب ساسانی*)، ترجمۀ امیر شاهد، اصفهان، فیروز، ۱۳۶۹.

[۵] غطریف برادر خیزران، مادر هارون‌الرشید بود و خاستگاه غلامی داشت. نرشخی، ص ۵۰.

شده بود. نرشخی بیان می‌کند که وی پس از امارت یافتن از سوی هـارون‌الرشـید در سـال ۱۸۵ قمری (۸۰۱ م)،[۱] به خواست مردم که از سیم خوارزمی خشنود نبودند، فرمود تا سکه‌ای نقره زدنـد از ترکیب زر، نقره، مشک، ارزیز، آهن و مس.[۲] این سکه به نـام او غطریفـی (غـدریفی/ غـدرفی) خوانده شد که در برابر سکه‌ی نقرهٔ خالص (سفید) قدیم، سکه‌ای سیاه بـود و ازایـن رو، مـدت‌هـا گذشت تا به‌تدریج درم غطریفی جای درم نقره‌ی قدیم را گرفت. این سکه‌ی کم‌عیار زمانی ارزش یافت که خراج بخارا با آن پرداخت شد.[۳] غطریف دارالضرب خود را در کوشک ماخک (بازار مـاخ) قرار داد[۴] اما بعدها به‌احتمال دارالضرب به دیوان خراج[۵] در کهندژ انتقال داده شد!

سه نوع درم نقره در خراسان رواج داشت که گویا دارالضرب آن‌هـا در بخـارا بـوده اسـت. درم مسیّبی که مسیّب بن زهیر در زمان خلافت مهدی عباسی ضرب کرد (۱۶۸ قمری)، درم غطریفی و درم محمدی.[۶] مقدسی بیان می‌کند که «سه برادر به نام‌های محمـد، مسـیّب و غطریـف ایـن

---

[۱] غطریف در سال ۱۷۵ ق. امارت خراسان را به دست آورد و در سال ۱۷۷ بر حصین (حضین) خارجی پیروز شد و جای خـود را بـه فضل بن یحیی برمکی داد. نام غطریف در میان حکمرانان بخارا نیز آمده است: عبدالحی بن ضحاک گردیـزی، *زیـن‌الاخبـار*. بـه کوشش عبدالحی حبیبی (تهران: بنیاد فرهنـگ ایـران، ۱۳۴۶)، ص ۹۶، ۱۲۹– ۱۳. بـه‌احتمـال، منظـور امـارت او بـر خراسـان در دارالاماره‌ی بخارا است. اما نرشخی سال امارت غطریف را ۱۸۵ ق. نوشته است (نرشخی، ص۵۰).

[۲] یاقوت حموی جنس درم غطریفی را از آهن، مس، آنک (سرب)، و مواد دیگر (؟) می‌داند؛ یاقوت بن عبدالله حموی. *معجم البلدان*. ترجمهٔ علی‌نقی منزوی (تهران: سازمان میراث فرهنگی معاونت آموزش، ۱۳۸۳) . ج۱، بخش دوم، ص ۴۵۳.

[۳] نرشخی می‌نویسد: «خراج بخارا در قدیم دویست هزار درم نقره بود، چیـزی کـم (کمتـر از ۲۰۰.۰۰۰ درهـم)» و چـون سـکه‌ی غدریفی رواج یافت، «هزار هزار درم و شصت و هشت هزار و پانصد و هفت درم (۱۰۶۸۵۶۷)، غـدریفی دریافـت شـد.» امـا ارزش غدریفی بعدها چنان بالا رفت که در سال ۲۲۰ قمری در برابر ۱۰۰ درهم سـفید، فقـط ۸۵ درم غـدرفی و در سـال ۵۲۲ ق.،زمـان ترجمه‌ی *تاریخ بخارا* تنها ۷۰ درم غدرفی و در برابر یک مثقال زر سرخ، هفت و نیم غدرفی می‌پرداختند. نرشخی، ص ۵۱؛ بارتولـد این رقم را ۱۱۶۸۵۶۷ غدریفی نوشته است! مقایسه شود با: ولادیمیر. و. بارتولد، *ترکستان‌نامه*، ج۱، ترجمهٔ کـریم کشـاورز (تهـران: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۲). ص ۴۴۶. مقدسی خراج بخارا را در قرن چهارم، ۱۱۶۶۸۹۷ درم غطریفی نوشته است، ابوعبدالله محمد بن احمد مقدسی، *احسن التقاسیم فی معرفه‌الاقالیم*. ترجمهٔ علی‌نقی منزوی (تهران: کومش، ۱۳۸۵)، ص ۴۰۷.

[۴] نرشخی، ص ۵۲.

[۵] دیوان خراج بخارا از زمان فضل بن یحیی برمکی در مسجد جامع قدیمی بخارا (مسجد جامع کهندژ) که از بناهای قتیبهٔ بن مسلم بود، قرار داشت؛ نرشخی، ص ۶۸.

[۶] عبدالحی بن ضحاک گردیزی، *زین‌الاخبار*. به کوشش عبدالحی حبیبی. تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۶. ص ۱۲۸. وی سکه-ی محمدی را به محمد امین پسر زبیده و هارون‌الرشید نسبت داده است که جای تردید دارد. مگر آن‌کـه مـأمون پـس از خلافـت خواسته باشد با ضرب سکه‌ی سیاه کم‌عیاری از برادر یادی کرده باشد! یا این سکه‌ی کم‌بها ضرب امین باشد در دوره‌ی کوتاه‌مدت خلافتش!

درم‌ها را سکه زده بودند که مانند فلوس سیاهند و جز در هیطل (سرزمین ترکان)، صرف نمی‌شوند و از درم‌های سفید برتری‌هایی دارند».[۱] زید بیهقی آن‌ها را پادشاهان ماوراءالنهر خوانده که «سیم غطریفی و مسیّبی بدیشان خوانند» و نامی از سیم محمدی به میان نمی‌آورد.[۲] ابن‌فضلان که در سال ۳۰۹ قمری (همزمان با امارت نصر بن احمد) به بخارا رفته است، درباره‌ی درهم‌های بخارا چنین بیان می‌کند:

«در بخارا چند قسم درهم مشاهده نمودم، از جمله درهم‌های **غطریفی** از جنس مس و مس زرد است. حساب آن به عدد و بدون وزن است و یک‌صد دانه‌ی آن معادل یک درهم نقره می‌باشد... در معاملات املاک و خرید برده نیز به جز این درهم پول دیگری را ذکر نمی‌کنند. در بخارا درهم‌های دیگر نیز دارند که فقط از **مس** زرد و چهل درهم آن برابر یک دانق است. درهم‌های زرد دیگر هم دارند که سمرقندی نامیده می‌شود و شش‌تای آن برابر یک دانق است».[۳]

این سکه‌ها عیار متفاوت داشتند و در هر ولایتی با نوعی از آن‌ها معامله می‌شد. مقدسی ضمن ارائه‌ی صورت خراج دوره‌ی سامانی بیان می‌کند که در فرغانه، سغد (سمرقند)، کش، نسف و اشروسنه خراج را به محمدی، در چاچ و خجنده خراج و مقاطعه را به مسیّبی و در بخارا خراج را به درم غطریفی می‌گرفته‌اند.[۴]

دِرَم اسماعیلی

مایلز قدیمی‌ترین مسکوکات سامانی را سکه‌های مسین احمد بن اسد در سال ۲۴۴ ق. (۸۵۸– ۸۵۹م) می‌داند که در سمرقند ضرب کرده بود و در سال‌های ۲۵۰ تا ۲۶۰ ق. تداخل

---

[۱] مقدسی، ص ۴۹۷. یاقوت حموی نیز به نام درم‌های غِطْرِیفی، محمدیه و مسیّبیه اشاره کرده است: *یاقوت حموی*، ج۱، بخش دوم، ص۴۵۳.

[۲] ظهیرالدین ابوالحسن علی بن زید بیهقی (ابن فندق)، *تاریخ بیهق*، تصحیح قاری سید کلیم‌الله حسینی (حیدرآباد دکن: دائره‌المعارف العثمانیه، ۱۹۶۸ / ۱۳۸۸ ق)، ص ۴۶۱. تحقیقات نشان می‌دهد که مسیّب (مصیّب) و غطریف هر دو در به هم زدن آرامش سیاسی، اجتماعی و امنیت اقتصادی خراسان در عهد هارون نقش اساسی داشتند. مسئله‌ای که با سفر هارون به خراسان گره خورد. التون دانیل، *تاریخ سیاسی و اجتماعی خراسان در زمان حکومت عباسیان*. ترجمهٔ مسعود رجب‌نیا (تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۸۳)، ص ۱۸۳.

[۳] احمد بن العباس بن راشد بن حماد ابن فضلان، *سفرنامه*، ترجمهٔ ابوالفضل طباطبایی (تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۵)، ص۶۳.

[۴] مقدسی، ص ۴۰۷.

سکه‌های سامانی– عباسی به چشم خـورده اسـت.[۱] نصـر بـن احمـد در سـال ۲۷۳ ق. (۸۸۶ م)، نخستین بار سکه‌ی سیمین ضرب کرد.[۲] این امر گواه از آن دارد که تا آن زمان در سمرقند سکه-ی نقره ضرب نمی‌شد و با همان سکهٔ غطریفی معامله می‌کردند. اگرچه این اقدام در زمـان نصـر انجام شد اما شهرت آن به برادرش امیر اسماعیل رسید. دلیل آن نیز می‌تواند حکومت یافتن امیـر اسماعیل در بخارا و به قدرت رساندن سامانیان از آن شهر باشد، هر چند خود در زمان داعیه‌داری برادرش در مقابل صفاریان، از سوی برادر به حکومت بخارا منصوب شده بود. از این پس، نام امیر اسماعیل به‌تدریج جای غطریفی را گرفت و درم سامانی را به نام درم اسماعیلی هم می‌شـناختند. اصطخری در توصیف بخارا بیان می‌کند که «مردمان بخارا... معاملت به درم کنند و سـیم ایشـان غطریفی باشد و جز به دیار ماوراءالنهر نرود»،[۳] و در جای دیگری یادآور می‌شود کـه «و معاملـت سمرقند به زر باشد و به درم اسماعیلی شکسته».[۴] وی این سخن را چند دهـه پـس از درگذشـت امیر اسماعیل گفته و از این نظر پیداست که درم همچنان در نـزد جانشـینانش بـه نـام او نامیـده می‌شد.[۵] ابن‌حوقل نیز در توصیف مردم بخارا بیان می‌کند که «نقودشان درهم و دینار است، و بـا کالا نیز دادوستد کنند و درهمی به نام غطریفی دارند که از آهن و روی و سرب و جز آن اسـت و با جواهر گوناگونی ترکیب شده است. این درهم، جز در بخارا و جاهایی خاص واقع در پشـت رود رایج نیست». وی همچنین از درهم محمدیه «که مسکوک است و صورت‌هایی مصور به حـروف

---

[۱] ج. ک. مایلز، «سکه‌شناسی» *تاریخ ایران از اسلام تا سلاجقه* (پژوهش دانشگاه کمبریج)، ترجمه حسن انوشه (تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۳)، ص ۳۲۵.

[۲] فرای، «سامانیان» ص ۱۲۰؛ فرای، *عصر زرین فرهنگ ایران*، ص ۲۲۳.

[۳] ابواسحق ابراهیم اصطخری، *مسالک و ممالک*، به کوشش ایرج افشار (تهران: بنگاه ترجمهٔ و نشر کتاب، ۱۳۴۰)، ص ۲۴۵.

[۴] اصطخری، ص ۲۵۳. این در حالی است که ابن‌حوقل می‌گوید: «سکه‌ی سمرقند، درهم اسماعیلی (اسماعلی) و مکسّرهٔ عریض و دینار است و از سکه‌های بخارا به جای اسماعلی، محمدیه است که جواهر گوناگون بر آن نشانده شده است.» ابی القسم ابن‌حوقل، *صورة الارض*، ترجمه جعفر شعار (تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۵)، ص ۲۲۷.

[۵] از برخی روایت‌ها مشخص می‌شود که درم سامانی در آغاز چندان که باید خوش‌عیار نبود. ابن‌واضح یعقوبی که به احتمال قـوی در ۲۸۳ ق. (۸۹۷ م) درگذشته و تقریباً تا سال ۲۶۰ق. (۸۷۴ م) در خراسان بوده است، درهم‌های بخارا را شبیه مس می‌داند: احمـد بن ابی‌یعقوب (ابن‌واضح یعقوبی)، *البلدان*، ترجمهٔ محمد ابراهیم آیتی (تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۸۱)، ص ۵۷. این امر می‌تواند در نوع ضرب درهم‌های اسماعیلی نیز تأثیر گذاشته باشد، چرا که وی مسلماً اساس آغازین را برای ضرب سکه، سکه‌های قبلـی قـرار داد و دلیل این امر آن است که به گفته‌ی ابن‌حوقل (ص ۲۱۷)، در معاملات همچنان غطریفـی و مسـیّبی را بـه درهـم اسـماعیلی ترجیح می‌دادند.

ناخوانا دارد و نشانه‌هایش معروف و از ضرب اسلام و عمل گذشته‌ی سامانیان است» و نیز از درهم مسیّبیه «که از ذخائر بخارائیان است» یاد می‌کند و توضیح می‌دهد که «همه‌ی این‌ها (غطریفی، مسیّبی و محمدی) را به درهم اسماعیلیه ترجیح می‌دهند»! ابن‌حوقل از ابوابراهیم (؟) یاد کرده که استعمال مسکوک نقره را از همه‌ی این درهم‌ها بهتر دانسته و او در ماوراءالنهر ضرب آن را آغاز کرد. وی همچنین به سکه‌ی فلوس (مسین) نیز اشاره می‌کند که در دادوستد از آن استفاده می‌شد.[۱] یاقوت حموی نیز به صراحت بیان کرده است که «دادوستد مردم در بخارا به روزگار سامانیان بر درم سیم می‌بود و با دینار زر دادوستد نمی‌شد. زر مانند دیگر کالاها، خرید و فروش می‌شد».[۲]

داد و ستد با دِرَم سامانی

در میان شهرهای ماوراءالنهر، بخارا، سمرقند و ایلاق[۳] دارالضرب داشتند و این امر به دلیل مرکز حکومتی (بخارا) و برخورداری از معادن زر و نقره در پیرامون دو شهر دیگر (سمرقند و ایلاق) بود.[۴] مایلز سکه‌هایی از والیان سامانی در اندرابه، بلخ، بامیان، پنجهیر و ترمذ ارائه کرده که سخن ابن‌حوقل را نقض می‌کند.[۵] از دیگر سو، وی نام چهل و هفت شهر که در آن‌ها ضراب‌خانه‌ی سامانی دایر بوده را فهرست کرده است که از کنار رود سیحون (فرغانه) تا ماوراءالنهر، طبرستان، فارس (شیراز)، قزوین، کرج ابی‌دلف، همدان و ماه‌البصره (نهاوند) پراکنده بودند. این در حالی است که در همان زمان (از سال ۳۲۴ ق.) آل بویه نیز در شهرهای غربی ایران به ضرب سکه پرداختند.[۶]

---

[۱] ابن‌حوقل، ص ۲۱۷.

[۲] یاقوت حموی، ج۱، بخش دوم، ص ۴۵۳.

[۳] ایلاق در نزدیکی چاچ و کرسی آن تونکث بود که قهندز، ربض و مسجد جامع داشت و دارالاماره بود. کوه‌های ایلاق معادن سیم و زر داشتند و از این رو برای دارالضرب مناسب بودند.

[۴] ابن‌حوقل، ص ۲۱۷. از ویژگی‌های کوه‌های بتّم (زرافشان) که از جنوب سمرقند تا شمال اسروشنه ادامه داشتند، وجود معادن زر، سیم، زاج، نوشادر و... بود: ر.ک: اصطخری، ص ۲۵۸-۲۵۹.

[۵] مایلز، «سکه‌شناسی»، ص ۳۲۴.

[۶] سید جمال ترابی طباطبایی، *سکه‌های شاهان اسلامی* ایران: ۲ (تبریز: ادارهٔ کل فرهنگ و هنر، ۱۳۵۰)، ص ۱۰.

پنجاه ضراب‌خانه در شهرهای گوناگون داشتند.[1] ریچارد فرای بیان می‌کند «صرف نظر از ریشه‌ی کلمه‌ی «چک» که به قول بعضی از محققان با چینی‌هایی که در دوره‌ی مغول پول کاغذی را به شرق نزدیک وارد کردند، ارتباط دارد، رسمی شبیه برات و اسکناس در قرن دهم (چهارم قمری) مرسوم بوده است».[2] این رسم پیش از هر چیز اعتبار بازرگانان و صرافان را نمایان می‌سازد، اما توجه به گونه‌ای از برات بدان سان نبود که درم سامانی در حجم بالایی مورد استفاده قرار نگیرد. پرسش این است که چرا سامانیان در سکه‌خانه‌های خود، از نقره استفاده می‌کردند و درم را به دینار زر ترجیح می‌دادند؟[3] دلایلی چند برای این امر می‌توان یافت:

نخست، آن‌که بایستی به پیشینه‌ی دادوستد پولی در شرق ایران در اواخر دوره‌ی ساسانیان تا زمان سامانیان توجه کرد که «دراهم‌های» ساسانی با نقره‌ی خوش‌عیار رواج بسیار داشت و همه‌پسند بود[4] تا آن‌جا که «ذکر سیم زدن در بخارا» در کتاب‌های تاریخی دوره‌ی اسلامی بازتاب فراوان یافت. تا زمانی که عبدالملک بن مروان در سال‌های ۷۷ تا ۷۹ ق. (۶۹۶– ۶۹۹ م) اصلاح بنیادی در ضرب سکه‌های عرب ساسانی به وجود آورد، هنوز درم‌های ساسانی با نام ونشان شاهانی چون خسرو پرویز (۵۹۱– ۶۲۸ م) رواج داشت. حتی از این پس نیز درهم‌ها با نقش‌مایه‌هایی از دوران ساسانی رواج یافتند، زیرا تا دهه‌ی ۹۰ ق.، چندان که باید حاکمیت اعراب بر آن‌جا مسلط نشده بود. ازاین‌رو مدت‌های طولانی گذشت تا این‌که درهم‌های بخارخدات‌ها جای خود را به درهم‌های خوارزم (درهم‌های خسروان خوارزم– خوارزمشاهان) داد تا این‌که در زمان خلافت هارون‌الرشید، چنان‌که بیان شد، درم غطریفی جایگزین شد. بنابراین، پیشینه‌ی ضرب نقره می‌تواند یکی از دلایل توجه سامانیان بدان باشد.

---

[1] مایلز، «سکه‌شناسی»، ص ۳۲۶. جالب آن‌که در برخی از این شهرها دودمان بویه نیز دارالضرب داشتند و حتی در مراکز حکومتی آن‌ها مانند کرج ابی‌دولف و فارس، مهم‌ترین ضراب‌خانه‌های بویه قرار داشت. ازاین‌رو، این مسئله ایجاد پرسش می‌کند که روابط پولی دودمان‌های سامانی و بویه چگونه بوده و سکه‌های دو دودمان چگونه با یکدیگر رقابت داشتند؟ برای آگاهی بیشتر از نمونه‌ی موردی سکه‌های نیشابور، ر.ک: عبدالله قوچانی، *گنجیه‌ی سکه‌های نیشابور مشکوفه در ری* (تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور، ۱۳۸۳)، ص ۱۵– ۴۴ و ۲۷۲– ۳۷۱ (سکه‌های سامانی)، ص ۳۹۹– ۴۰۳ (سکه‌های آل بویه).

[2] فرای، *بخارا دستاورد قرون وسطی*، ص ۱۰۷؛ ابن‌حوقل، ص ۱۰۷.

[3] اگرچه در برخی موارد ضرب سکه‌ی «زر» هم رواج داشت: برای نمونه، ر.ک: ترابی طباطبایی، ص ۴.

[4] مایلز، «سکه‌شناسی»، ص ۳۱۵.

دومین دلیل اندکی مهم‌تر می‌نماید که توجه بیابانگردان صحراهای مرکزی آسیا بود بـه داد و ستد با سکه‌ی نقره. در دوره‌ی سامانیان تجارت بردگان رواج بسیار داشت و فروشـندگان بـرده در بازارهای برده‌فروشی ترجیح می‌دادند درم دریافت کنند، در حالی که در محدوده‌ی راه‌های تجاری چین، چینی‌ها سکه‌ی نقره را نمی‌پسندیدند و زر را ترجیح می‌دادنـد.[۱] ایـن‌کـه چـرا صـحرانوردان سکه‌ی نقره را بیشتر می‌پسندیدند می‌تواند ریشـه در پیشـینه‌ی معـاملات هپتالیـان و ساسـانیان داشته باشد. از دیگر سو، پیشینه‌ی ضرب درهم در شهرهای شرقی خراسان آن‌ها را به این مسئله بیشتر علاقه‌مند کرده بود.

سومین دلیل آن بود که بخارا، پایتخت سامانیان، خاستگاه ضرب درم بود و سـامانیان در آغـاز امر برای استقلال‌طلبی از حکومت‌هایی چون صفاریان، با ضرب درهم در زمان نصر اقتدار خود را به نمایش گذاشتند.

چهارمین دلیل آن است که دسترسی دودمان سامانی به معادن نقره بیشتر بود و سـامانیان در معاملات پولی بر اساس سکه‌ی نقره، توانایی اداره را با کارسازی این سکه به دست آورده بودنـد. ازاین‌رو، می‌توان عصر سامانی را دوره‌ی تسلط آن‌ها بر اقتصاد سیاسی شهری اما بر اسـاس درم سامانی (درم اسماعیلی) دانست که به‌ویژه در بازار نمایشی شکوهمند ارائه می‌کرد و این می‌توانـد هنر سامانیان باشد در اداره‌ی نظام پولی آن زمان.

سامانیان به زر هم دسترسی داشتند و چنان‌که در بررسی پیرامون نام و نشان سغد (زرافشـان) و کناره‌های زردفام آن توضیح داده شده اسـت، در ایـن رودخانـه زر در دسـترس بـود؛ چنـان‌کـه ابن‌واضح یعقوبی گفته است: «در این رودخانه شمش‌های طلا به دست می‌آیـد و در هـیچ جـای خراسان طلا نیست، مگر آن‌چه خبر یافته‌ام که در این رودخانه به دست می‌آید».[۲]

عیار نقره‌ی سامانی بایستی به‌تدریج افزوده شده باشد و در این کار در آغـاز اقـدامی سـریع و ناگهانی انجام نگرفت. اساساً چون سکه‌ی نقره به‌تدریج ساییده و زود نقش و نگـار و خطـوط آن دچار خدشه می‌شود، آسیب‌پذیر است. اما این‌که سکه‌های کشف شده مربوط به دوره‌های پـس از امیر اسماعیل همچنان سالم مانده‌اند، دلیلی است بر خوش‌عیار شـدن آن‌هـا در زمـان شـکوفایی

---

[۱] فرای، *بخارا دستاورد قرون وسطی*، ص ۱۰۵–۱۰۶. اصطخری که از معاملت مردم سمرقند به زر و درم اسماعیلی سخن گفته (ص ۲۵۳)، نقش سامانیان را در صادرات و واردات خراسان بیان کرده و به گونه‌ای ایـن مسـئله را در بازارهـای ایـن دیـار کـاملاً مـؤثر می‌داند. (ص ۲۲۱)

[۲] ابن‌واضح یعقوبی، ص ۵۷–۵۸.

اقتصادی سامانیان. تقریباً از سال ۲۷۹ ق. که برابر است با درگذشت نصر بن احمد و امارت یافتن امیر اسماعیل بن احمد، ضرب منظم درهم‌های سامانی آغاز و به‌تدریج کیفیت این نوع سکه‌ها بیشتر شد. تطبیق سکه‌های نخستین با سکه‌هایی که در دوره‌ی طلایی نصر بن احمد (نصر دوم/ ۳۰۱- ۳۳۱ ق) و دوره‌ی پسر او نوح بن نصر (۳۳۱- ۳۴۳ ق) ضرب شده‌اند، نشان می‌دهد هم عیار درهم‌های جدید افزایش یافت و هم دینار زر رواج بیشتری پیدا کرد. مایلز اشاره می‌کند که بیشتر دینارها و درهم‌های سامانی از نوع قراردادی و رسمی بوده‌اند اما برخی از درهم‌ها حدود ۴۸ میلی‌متر قطر داشته‌اند(!) که در ناحیه‌ی هندوکش ضرب می‌شدند.[۱] این مسئله گواه آن است هرچه ضراب‌خانه‌ها به مرزهای چین و هند نزدیک‌تر می‌شدند، سکه‌های نقره وزن و عیار بیشتری می‌یافتند که تنها دلیلش رقابت درهم سامانی با دینار بوده است. ازآن‌رو که دینار زر، به‌ویژه در چین، خواستار بیشتری داشت و سیاست پولی سامانیان در محدوده‌ی شرقی قلمروشان به دو شیوه بود: تجارت با چین با استفاده از مبادله‌ی کالایی یا داد و ستد با سکه‌ی زر و دیگر داد و ستد با ایل‌نشینان صحرانورد در بیابان‌های مرکزی آسیا با استفاده از دِرم نقره.[۲]

ناگفته پیداست که کشف غیرمنتظره‌ی دفینه‌های سکه‌ی سامانی در اروپای شرقی، اثرگذاری توان تجاری آنان را در دوردست‌ترین مناطق نشان می‌دهد.[۳] از دیگر سو، مسلماً سامانیان در رقابت با آل بویه سعی می‌کردند سکه‌ی درم را به بهترین شکل ممکن ضرب کنند. چنان‌که فناخسرو عضدالدوله امیر بویهی به همان سان که در حکمرانی سعی می‌کرد از دوره‌ی ساسانیان تأسی جوید، بیشتر به ضرب دینار تمایل داشت تا به ضرب درم. اما پیداست که آل بویه دست‌کم چهار دهه پس از سامانیان بر گستره‌ی غربی ایران امارت یافتند[۴] و در طی این مدت، سکه‌های

[۱] مایلز، «سکه‌شناسی»، ص ۳۲۵- ۳۲۶.

[۲] برای آگاهی از شیوه‌های داد و ستد با چین، ر.ک: Togan, 1999.

[۳] گنجینه‌ی عظیمی در اوایل دهه‌ی ۱۹۶۰ در لهستان کشف شد که ۶۸ درصد آن را سکه‌های سامانی تشکیل می‌دادند. این سکه‌ها به احتمال قوی در سال ۳۰۰ ق. (۹۱۲ م) در زیر خاک دفن شده بودند (مایلز، «سکه شناسی»، ص ۳۲۵). این امر نشان‌دهنده‌ی آن است که تقریباً همزمان با درگذشت امیر اسماعیل سامانی (۲۹۵ ق/ ۹۰۷ م)، سکه‌های سامانی (درم اسماعیلی) در اروپای شرقی مورد استفاده و کارسازی قرار می‌گرفتند. همچنین گزارش‌های خبری حاکی از آن است که در چند سال گذشته دفینه‌هایی از سکه‌های سامانی در سوئد کشف شده که هنوز بررسی‌های جامع در این باره صورت نگرفته و مطالبی درباره‌ی آن‌ها انتشار نیافته است.

[۴] فتح شیراز توسط علی عمادالدوله در سال ۳۲۲ ق. (۹۳۴ م) و فتح بغداد توسط احمد معزالدوله در سال ۳۳۴ ق. (۹۴۶ م) در زمان المستکفی، دو تاریخ مهم در تسلط بوییان بر غرب ایران است.

سامانی به اندازه‌ای جای خود را باز کرده بود که ۲۰ سال پیش از فتح شـیراز توسـط عمادالدولـه (۳۲۲ ق) متمولان لهستان گنجینه‌های خود را به آن‌ها آراسته و در زمان یورش مهاجمـان دفـن می‌کردند. بااین همه، سکه‌های سامانیان نیز متأثر از تحولات سیاسی و اقتصادی، نوسان‌هایی در نوع عیار داشتند که درواقع عیار آن‌ها نشان‌دهنده‌ی فراز و فرودهای توان اقتصادی آن‌ها اسـت.[۱] پیداست که آل بویه می‌بایسـت بـه سـانِ سـنت‌هـای دیرینـه در غـرب ایـران کـه بیشـتر زر را می‌پسندیدند تا سیم، و از آن‌جا که خراج خلیفه را به دینار می‌پرداختند،[۲] تمایل بـیش‌تـری بـرای ضرب سکه‌های زرین نشان می دادند. اما همه‌ی این دلایل، باعث نخواهد شد که ضرب دینار زر در سکه‌خانه‌های سامانی و ضرب درم سیمین در سکه‌خانه‌های آل بویه انکار شود، چرا که هـر دو نوع پول مورد نیاز جامعه‌ی آن روز بود و ارزش‌گذاری نوع پول، از شیوه‌هـای صـحیح در کـاربرد مؤثرترین ابزار در مبادلات داخلی و خارجی حکایت می‌کرد.

در پایان، بیان ایـن نکتـه نیـز ضـروری مـی‌نمایـد کـه بایسـتی سـکه‌هـای ضـرب‌شـده در سکه‌خانه‌های دودمان‌های پیرامون این دو سلسله مانند زیاریان، باوندیان، صفاریان، آل بویـه و ... نیز مورد تأمل قرار گیرد تا نقش سکه‌های سیمین سامانی در گسترش تجـارت و پویـایی اقتصـاد شهری آن‌ها بهتر مشخص شود.[۳] در آن دوره، برخی شهرها در ضـرب سـکه شـهرت بـه‌سـزایی داشتند، چنان‌که بخارا در قلمرو سامانیان و اصفهان و سیراف در قلمـرو آل بویـه شـهرت فـراوان داشتند. در قلمرو آل بویه ضرابان اصفهانی از دوره‌ی رکن‌الدوله حسن کار ضرب سـکهٔ بـویهی را

---

[۱] هروی به‌درستی به طرح این مسئله پرداخته، اما در مقام پاسخ به این پرسش اساسی که چرا سکه‌های سامانیان این گونه شهرت یافت بر نیامده است؛ جواد هروی، *پژوهش‌هایی پیرامون عصر سامانیان*. مشهد: پژوهش توس و دانشگاه آزاد اسلامی واحد بجنورد، ۱۳۸۶)، ص ۱۵۲– ۱۵۴.

[۲] آل بویه بر سرزمین‌هایی تسلط یافته بودند که در همان آغاز، علی عمادالدوله می‌بایست خراج را با هشتصد هزار دینار بـه خلیفـه پرداخت کند. هیرمبرت بوسه، «ایران در عصر آل بویه،» *در تاریخ ایران پژوهش دانشگاه کمبریج*، ج۴ به کوشش ر.ن. فرای، ترجمه حسن انوشه (تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۳)، ص ۲۵۵.

[۳] برای آگاهی بیشتر از سکه‌های دوره‌ی طاهریان، ر.ک: بانو ملکزاده بیانی، «تاریخ سکه در اسلام»، مجلهٔ *معـارف اسـلامی*، دوره جدید، ش۱ (۱۳۵۲)، ص ۳۱– ۴۵؛ برای آگاهی از سکه‌های ضرب زیاریان، ر.ک: بانو ملکزاده بیانی، «سـکه‌هـای زیـاری،» مجلـهٔ معارف اسلامی، دوره جدید، ش ۳ (۱۳۵۳)، ص ۲۳– ۳۶؛ برای آگاهی از سکه‌های ضرب باونـدیان، بـه‌ویـژه مقایسـه‌ی آن‌هـا بـا سکه‌هـای سـامانیان و ضـراب‌خانـه‌هـای آن‌هـا در دوران دودمـان کاووسـیه (۴۵– ۳۹۷ ق/ ۶۶۵– ۱۰۰۷م) و تأثیرگـذاری آن در دودمان‌های بعدی باوندی (اسپهبدیه)، ر.ک:

George C. Miles, “the Coinage of Bawandids of Tabaristan”, Iran and Islam (*in Memory of the Late Vladimir Minorsky*), Ed: C. E. Bosworth. Edinburgh University Press, 1971, p. 443- 460.

در بیرون از اصفهان نیز گسترش دادند چنان‌که در سال ۳۵۲ ق.، ضرابان اصفهانی در قم به ضرب سکه می‌پرداختند و از آن زمان دارالخراج قم اعتبار فراوانی به دست آورد.[۱] از دیگر سو، شهری چون سیراف که تا اواخر سده‌ی چهارم قمری مهم‌ترین کانون تجاری سواحل جنوبی ایران به شمار می‌رفت، ضراب‌خانه‌ای معتبر داشت و در ویرانه‌های آن انواع سکه‌های حکومت‌های پیرامون آل بویه، حتی سکه‌های چینی یافت شده‌است.[۲] بررسی برخی از سکه‌ها، قلمرو سامانیان را از نظر سیاسی نشان می‌دهد و همچنین از عیارسنجی آن می‌توان، درهم‌های شهرهای گوناگون را با یکدیگر سنجید. تاکنون درباره‌ی عیار و ویژگی‌های برخی از این سکه‌ها مقالاتی تألیف شده است، مثلاً ای. اچ. مورتون در ۱۹۷۷ تصویر و اطلاعات سکه‌ای درهم از دوره‌ی محمد بن الیاس حکمران کرمان را انتشار داده است که در سال ۳۳۴ ق. ضرب شده است.[۳] همچنین باسورث درهمِ ضرب‌شده در زرنگ سیستان مربوط به دوره‌ی امارت امیر احمد پسر امیراسماعیل سامانی را مورد بررسی قرار داده که توسط محمد بن هرمز حکمران آن‌جا در سال ۲۹۹ ق. ضرب شده است. در آن دوره، سیستان مورد نزاع بازماندگان صفاری (معدل بن علی بن لیث) و سامانیان بود؛ اما سکه‌ی محمد بن هرمز با نام خلیفه و بدون نام یکی از این دو امیر است.[۴]

نتیجه‌گیری

پیشینه‌ی ضرب سکه‌ی نقره در ایران تا آن‌جا که کاوش‌های باستان‌شناختی گواهی می‌دهد، به روزگار هخامنشیان می‌رسد. از آن پس سکه‌ی شِکِل، دِراخما، دِرم و درهم تا روزگار سامانیان بخشی از مبادلات پولی را در ایران در بر می‌گرفتند. ساسانیان (۲۲۶–۶۵۲م) برای کارسازی امور

---

[۱] حسن بن محمد بن حسن بن سائب بن مالک اشعری قمی، تاریخ قم، ترجمه تاج‌الدین حسن بن بهاءالدین علی قمی، به کوشش محمدرضا انصاری قمی (قم: کتابخانه بزرگ آیت‌الله مرعشی نجفی، ۱۳۸۵)، ص ۱۲۰.

[۲] برای آگاهی بیشتر از سکه‌های سیراف، ر.ک: مرتضی قاسم‌بگلو، سکه‌های سیراف (بوشهر: بنیاد ایران‌شناسی، شعبه بوشهر و تهران: مؤسسهٔ مطالعات تاریخ معاصر ایران، ۱۳۸۵).

[3] A. H. Morton, "A Dirham of Muḥammad b. Ilyās of Kirmān," Iran, Vol. 15 pp. 152 (Published by: British Institute of Persian Studies Stable URL: 1977), see: http://www.jstor.org/stable/4300570 Accessed: 11/08/2009

[4] C. Edmund Bosworth and Gert Rispling, "An 'Ayyār Coin from Sīstān" *Journal of the Royal Asiatic Society*, Third Series, Vol. 3, No. 2 (Jul., 1993), pp. 215- 217. See: http://www.jstor.org/stable/25182701 Accessed: 11/08/2009

تجاری در شهرها یا در بازارهای میان جاده‌ای از سکه‌ی نقره به‌ویژه در بخش‌های شـرقی ایـران استفاده می‌کردند. در میان شهرهای شرقی ایران، بخارا جزو مهم‌ترین شـهرهایی بـود کـه در آن مهم‌ترین و به اعتباری تنها سکه‌ی رایج دِرم بود که پیشینه‌ی ضرب آن دست‌کـم تـا آن‌جـا کـه آگاهی‌های منابع و کاوش‌های باستان‌شناختی گواهی می‌دهنـد بـه روزگـار ساسـانیان مـی‌رسـد. حکمرانان محلی بخارا با نام «بخار خدات» به ضرب سکه می‌پرداختند و ازاین‌رو با سکه‌ی نقـره در امور تجاری شهرهای خراسان بزرگ (خراسان و ماوراءالنهر)، نقش مهمی داشتند.

زمانی که سامانیان روی کار آمدند، پیش از آن‌که بر بخش‌های وسیعی از ایران امارت کننـد، نام و نشان حکومتی خود را بر سکه‌ی مسـین (فَلـس) ضـرب مـی‌کردنـد. از زمـان امـارت امیـر اسماعیل سامانی آنان با ضرب سکه‌ی نقره در کنار مسکوکات طلا (دینار)، توانستند در گستره‌ای وسیع از بخش‌های شرقی ایران بازرگانی را به دست بگیرند و حتی این سکه را به جای دینـار زَر همه‌پسند کنند. سامانیان دِرَم را به دلیل دسترسی آسان‌تر به معـادن نقـره، پیشـینه‌ی رواج آن در میان صحرانوردان بیابان‌های مرکزی آسـیا و مقبـولیتش آن نـزد بازرگانـان درون قلمروشـان یـا بازرگانان دیگر ممالک و مناسب بودن آن در برابر توان اقتصادی مـردم، رواج دادنـد و از ایـن رو توانستند بر مناسبات اقتصادی و مبادلات پولی تسلط یابند.

تلاش سامانیان ازآن‌رو که توانستند از طریق این نـوع پـول، کـه در آن روزگـار کـم‌اهمیـت می‌نمود، بر اوضاع تجاری آسیا تا اروپا تأثیر شگرفی بگذارند و از دیگر سو در مناسـبات بازرگـانی اعمال نفوذ کنند، از مهم‌ترین تلاش‌ها در راستای رشد و شکوفایی توان اقتصادی – تجـاری بـه شمار می‌رود.

فهرست منابع

ابن‌حوقل، ابی القسم. *صورة الارض*، ترجمهٔ جعفر شعار، تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۵.
ابن فضلان، احمد بن العباس بن راشد بن حماد. *سفرنامه*، ترجمه ابوالفضل طباطبایی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۵.
ارنست بابلون. *سکه‌های ایران در دوران هخامنشیان*، ترجمه ملک‌زاده بیانی و خانبابا بیانی، تهران: انجمن آثار ملی، ۱۳۵۸.
اصطخری، ابو اسحق ابراهیم. *مسالک و ممالک*، به کوشش ایرج افشار، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۰.
بارتولد و. و. *ترکستان‌نامه*. ترجمه کریم کشاورز، تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۲.
باستانی راد، حسن. «واژه‌شناسی تاریخی شهر در ایران.»مجله علمی ـ پژوهشی فرهنگ. ش ۷۲. زمستان ۱۳۸۸.
بوسه، هیرمبرت. «ایران در عصر آل بویه»، *تاریخ ایران از اسلام تا سلاجقه (پژوهش دانشگاه کمبریج)*، ج۴، به کوشش ر.ن. فرای، ترجمه حسن انوشه، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۳.
بیهقی، ظهیرالدین ابوالحسن علی بن ابی‌القاسم زید. *تاریخ بیهق*، تصحیح قاری سید کلیم‌الله حسینی، حیدرآبادِ دکن: دائرةالمعارف العثمانیه، ۱۹۶۸م /۱۳۸۸ق.
ترابی طباطبایی، سید جمال. *سکه‌های شاهان اسلامی ایران* (۲) ، تبریز: ادارهٔ کل فرهنگ و هنر، ۱۳۵۰.
جمالزاده، محمدعلی. *تاریخ روابط روس و ایران*، تهران: موقوفات دکتر محمود افشار، ۱۳۷۲.
خلعتبری، اللهیار و باستانی راد، حسن. «شهرواحه‌های سغد،» مجله علمی ـ *پژوهشی تاریخ اسلام و ایران* ش ۵. پیاپی۸۳. ۱۳۸۸.
دانیل، التون. *تاریخ سیاسی و اجتماعی خراسان در زمان حکومت عباسیان*. ترجمهٔ مسعود رجب‌نیا، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۸۳.
دیاکونوف، م. *اشکانیان*. ترجمهٔ کریم کشاورز، تهران: پیام، ۱۳۵۱.
رضا، عنایت‌الله. «بخارا» *دایرة المعارف بزرگ اسلامی*. ج۱۱. تهران: مرکز دایرهٔ المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۸۲. ص ۴۲۸ — ۴۵۵
غفورف، باباجان. *تاجیکان (تاریخ قدیم، قرون وسطی و دوره نوین)*، ترجمه محمد نیازوف، دوشنبه: عرفان، ۱۹۹۷.
فرای، ریچارد نلسون. *بخارا دستاورد قرون وسطی*، ترجمه محمود محمودی، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۸۴.
«سامانیان»، *تاریخ ایران از اسلام تا سلاجقه (پژوهش دانشگاه کمبریج)*. ترجمه حسن انوشه. تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۳.
عصر زرین فرهنگ ایران، ترجمهٔ مسعود رجب‌نیا، تهران: سروش، ۱۳۷۵.
قاسم‌بگلو، مرتضی، *سکه‌های سیراف*. بوشهر: بنیاد ایران‌شناسی و شعبه بوشهر. تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، ۱۳۸۵.
قمی، حسن بن محمد بن حسن بن سائب بن مالک اشعری. *تاریخ قم*، ترجمه تاج‌الدین حسن بن بهاءالدین علی قمی، بـه کوشـش محمدرضا انصاری قمی، قم: کتابخانهٔ بزرگ آیت‌الله مرعشی نجفی، ۱۳۸۵
قوچانی، عبدالله. *گنجینه سکه‌های نیشابور مشکوفه در ری*، تهران: سازمان میراث فرهنگی، ۱۳۸۳.
گردیزی، عبدالحی بن ضحاک. *زین الاخبار*، به کوشش عبدالحی حبیبی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۶.
مایلز، ج. ک. «سکه‌شناسی»، *تاریخ ایران از اسلام تا سلاجقه (پژوهش دانشگاه کمبریج)*، ترجمه حسـن انوشـه، تهـران: امیرکبیـر، ۱۳۶۳.
محمدجان‌اف. «اقتصاد و نظام اجتماعی در آسیای مرکزی در دوره کوشان»، *تاریخ تمدن‌های آسیای مرکزی*، ترجمه صـادق ملـک شهمیرزادی، بخش ۲. ج۲. تهران: وزارت امور خارجه، ۱۳۷۵.
مقدسی، ابوعبدالله محمد بن احمد مقدسی. *احسن‌التقاسیم فی معرفه‌الاقالیم*، ترجمه علی‌نقی منزوی، تهران: کومش، ۱۳۸۵.
ملکزاده بیانی، بانو. «تاریخ سکه در اسلام»، مجله *معارف اسلامی*، دوره جدید، ش۱. ۱۳۵۲.
«سکه‌های زیاری»، مجله‌ی *معارف اسلامی*، دوره‌ی جدید، ش ۱۳۵۳.۳.
ملکزاده بیانی، مهدی. *تاریخ سکه*، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۵۵.

نرشخی، ابوبکر محمد بن جعفر. *تاریخ بخارا*، ترجمه ابونصر احمد بن محمد بن نصر القباوی، تلخـیص محمـد بـن زفـر بـن عمـر، تصحیح محمدتقی مدرس رضوی، تهران: توس، ۱۳۶۳.
نقشبندی، ناصر سید محمود. *درهم اسلامی (جزء اول، درهم های عرب ـ ساسانی)*، ترجمه امیر شاهد، اصفهان: فیروز، ۱۳۶۹.
هروی، جواد. *پژوهش‌هایی پیرامون عصر سامانیان*، مشهد: پژوهش توس و دانشگاه آزاد اسلامی واحد بجنورد، ۱۳۸۶.
یاقوت حموی، یاقوت بن عبدالله. *معجم البلدان*، ترجمه علی‌نقی منزوی، تهران: سازمان میراث فرهنگی معاونت آموزش، ۱۳۸۳.
یعقوبی، احمد بن ابی‌یعقوب (ابن‌واضح یعقوبی). *البلدان*، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۸۱.

Ambum, Stephen & Michael L. Bates and Willem Floor. "Coins and Coinage," *Encyclopaedia Iranica*. Mazda Publishers, 1999.Vol. VI, p. 14- 41.
Bosworth, C. Edmund and Rispling, Gert. "An 'Ayyār Coin from Sīstān" *Journal of the Royal Asiatic Society*, Third Series, Vol. 3, No. 2 (Jul., 1993), pp. 215- 217.
See: http://www.jstor.org/stable/25182701 Accessed: 11/08/2009
Frye، R. N. "Bukhara I، in Pre-Islamic Times." *Encyclopaedia Iranica*. Mazda Publisher, 1999. Vol، IV.p.512-516.
Miles, George C. Miles. "the Coinage of Bawandids of Tabaristan", *Iran and Islam (in Memory of the Late Vladimir Minorsky)*. Ed: C. E. Bosworth. Edinburgh University Press, 1971. p. 443- 460.
Morton, A. H. "A Dirham of Muhammad b. Ilyās of Kirmān, *Iran*, Vol. 15, pp. 152- 156 (Published by: British Institute of Persian Studies Stable URL, 1977)), see: http://www.jstor.org/stable/4300570 Accessed: 11/08/2009
Togan, Isenbike. "Chinese Turkestan (Sinkiang- Xin-Jiang) Iranian Elements From the Advent of Islam to the Mongols". *Encyclopaedia Iranica*, Vol. IV. :Mazda Publishers. 1999.
Vambery, Arminius. *History of Bokhara,* (in The Middle East collection). New York: Arno Press, 1973.